

## یک شهریار بی پایان

### بررسی و نقد کتاب راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی

● دکتر فؤاد حبیبی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج

#### چکیده

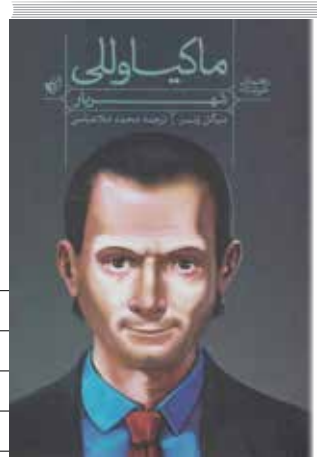
کتاب راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی، اثر میگل وتر، یکی از آثاری است که ذیل مجموعه راهنمای خواندن آثار کلاسیک از سوی انتشارات بلومزبری منتشر شده است و محمد ملاحباسی و انتشارات ترجمان علوم انسانی به ترجمه و انتشار آن به زبان فارسی همت گماشته‌اند. میگل وتر در این اثر با بحث از بستر تاریخی و فکری برآمدن نیکولو ماکیاولی آغاز به توضیح شهریار می‌کند، سپس دست به طراحی خوشه‌هایی از فصول می‌زند که ایده‌های اصلی اثر را متمایز می‌سازد و سرانجام با ذکر برخی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین تفاسیر از ماکیاولی و اثر او کتاب خویش را به پایان می‌رساند. قرارگیری وتر ذیل سپهر سنتی منسوب به «جمهوری خواهی تعارض‌گرا» در خوانش آثار ماکیاولی، که در دهه‌های اخیر پا گرفته، به وی امکان داده است تا به فراسوی اثری مقدماتی برود و علاوه بر تاباندن نوری درخشان بر زوایای مختلف شهریار، همزمان تفسیری جدی و قابل تأمل از آن نیز عرضه دارد.

#### واژه‌های کلیدی:

نیکولو ماکیاولی، شهریار، راهنمای خواندن، میگل وتر.

#### مقدمه

هرچند خیزش آغازین «فلسفه» به‌مثابه جنبشی در برابر سوفسطایی‌گری مبتنی بود بر مکالمات سقراطی در کوی و برزن آتن با پیر و جوان شهر، و اگرچه به‌زعم آلن بدیو خطاب دموکراتیک، برابر و همگانی فلسفه بخشی



■ وتر، میگل (۱۳۹۷). راهنمای خواندن شه‌ریار  
ماکیاولی، ترجمه محمد ملاحباسی، تهران: ترجمان  
علوم انسانی  
شابک: ۶-۳۵-۸۰۹۱-۶۰۰-۹۷۸

است درون‌ماندگار و ذاتی این کنش فکری (بدیو، ۱۳۹۷، ص ۴۰-۵۱)، یکی از مهم‌ترین معضلاتی که عامه مخاطبان فلسفه از دیرباز با آن دست به‌گریبان بوده‌اند ژارگون خاص و پیچیده این گفتار است. البته درست برخلاف این‌گرایش دموکراتیک درونی «فلسفه»، تأکید آن بر نابرابری ارزش شناخت‌شناسانه استدلال‌های مختلف، تعریف سفت و سخت چگونگی سروشکل دادن به یک استدلال منطقی، و لزوم آموزش‌های خاص برای آموختن فلسفیدن، به علاوه دفاع رایج فلاسفه از تمایز فضلا و عوام در فهم امور به تأسیس نهادی به‌نام «آکادمی» به‌دست بزرگ‌ترین شاگرد سقراط ختم شد که این‌جدایی گفتار فلسفی را از حیات و لسان عمومی در آگورا نهادینه کرد. از همین‌رو به‌رغم حفظ و حضور همیشگی تنش درونی مزبور، مابین سوئیة دموکراتیک گفتار فلسفی و وجه غالب آریستوکراتیک آن، قرائت متون فلسفی به دانش و تخصصی بسیار ویژه بدل گردید که حتی دانش‌آموختگان این رشته از معرفت نیز برای کامیابی در آن به تحمل رنج و مرارت بسیار نیازمند هستند. این معضل زمانی به اوج خود می‌رسد که کسی برای خوانش متون اصلی و دست اول فلاسفه و متفکران ممتاز حوزه فلسفی پا پیش بگذارد، آن‌گاه است که خواننده، ولو سالک طریق صعب و دشوار فلسفه، اغلب یا در فهم غالب دلالت‌های متون ناکام می‌ماند یا، در بهترین حالت، چنین کاری جز به راهنمایی و دستگیری استادی حاذق میسر نمی‌گردد.

این وضعیت، از دیرباز، منجر به رواج گونه‌ای از متون فلسفی شده‌است که سعی دارد تا در عین ارائه تفسیری خاص از متون دست اول حوزه فلسفه، یاریگر و راهنمای علاقه‌مندان و جویندگان این مسیر شود. به‌ویژه

در دهه‌های اخیر در سراسر جهان شاهد نگارش و ترجمه آثار مختلف، ذیل نام‌هایی مختلف، هستیم که به تلخیص و تشریح قابل فهم ایده‌های اصلی فلاسفه برجسته اختصاص دارند. مجموعه‌هایی که ما نیز در ایران، به‌یمن موج عظیم و جدید ترجمه‌های فلسفی، شاهد انواع و اقسام آن‌ها بوده‌ایم. اما یکی از این دست مجموعه‌ها که انتشارات بلومزبری (Bloomsbury Publishing) به انتشار آن همت گماشته‌است به عوض تکیه بر کل نظام فکری فلاسفه کلاسیک یا مدرن و معاصر، به‌صورت ویژه کانون توجه خویش را بر شرح و توضیح برخی از کتب مهم و پرآوازه تاریخ فلسفه قرار داده است که می‌توان از جمله آن‌ها به آثاری از این قبیل اشاره کرد: سیاست و مابعدالطبیعه ارسطو، ضیافت و جمهور افلاطون، شهریار ماکیاولی، لویاتان هابز، کاوشی در خصوص فهم بشری هیوم، پدیدارشناسی روح هگل، جهان به‌مثابه تصور و اراده شوپنهاور، فراسوی خیر و شر نیچه، هستی و نیستی سارتر، تفاوت و تکرار دلوز و ... در این میان انتشارات ترجمان علوم انسانی در ایران نیز دست به ترجمه این آثار زده و برخی از آثار این مجموعه را به فارسی برگردانده‌است. از جمله آثاری که در طول یک سال گذشته و در این راستا به فارسی برگردانده شده، باید به اثر میگل واتر ذیل عنوان راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی به ترجمه محمد ملاحباسی اشاره کرد. اثری که چنان‌که مترجم نیز اشاره کرده‌است، با تمرکز بر اثر مزبور خود را از دیگر آثار تألیفی و ترجمه‌ای در زبان فارسی که قصد معرفی و تفسیر کل نظام ماکیاولی را دارند متمایز می‌سازد.

### معرفی اثر و نویسنده

کتاب راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی اثر میگل واتر استاد دانشگاه فلیندرز استرالیای جنوبی است. وتر دکترای فلسفه از نیواسکول فور سوشال ریسرچ (NSSR) در ایالات متحد دارد و پیش‌تر اثر مفصل دیگری را ذیل عنوان مابین فرم و رخداد: نظریه ماکیاولی درباره آزادی سیاسی در خصوص ماکیاولی نگاشته‌است. حوزه علایق میگل وتر از ماکیاولی و کانت تا جمهوری خواهی، نولیبرالیسم و الهیات سیاسی را دربرمی‌گیرد. مترجم اثر محمد ملاحباسی دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی در دانشگاه تربیت مدرس است. ملاحباسی همچنین جانشین سردبیر سایت و فصلنامه ترجمان است.

کتاب راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی با «سخن‌ناشر» آغاز می‌شود و سپس با «مقدمه مترجم» ادامه می‌یابد که به برخی از اطلاعات اولیه،

فی‌المثل دربارهٔ برخی از انتخاب‌های واژگانی در قلمرو ماکیاولی پژوهی در ایران اختصاص دارد. آن‌گاه وارد قرائت خود اثر می‌شویم که عبارت است از ۹ فصل که دست آخر با بخش‌هایی همچون «برای مطالعات بیشتر»، «پی‌نوشت‌ها»، «منابع»، «واژه‌نامه»، و «نمایه» به پایان می‌رسد.

اما عناوین ۹ فصل مذکور که بدنهٔ اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند به قرار ذیل هستند: ۱. «نوزایش و "بزن‌گاه" ماکیاولی»، که شامل زیرعنوان‌هایی است همچون: «زندگی یک مورخ سیاسی»، «تعلیمات آموزگار سیاست»، و «نوزایش یا ارزش تاریخ برای زندگی». ۲. «نمای کلی: شهریار به منزلهٔ خطابه و فلسفه»، که شامل زیرعنوان‌هایی است از قبیل: «شهریار و علم سیاست»، و «نقشهٔ این راهنمای خواندن». ۳. «اغوی شهریار: تقدیم به لورنتسو دی مدیچی»، فصلی با صرفاً یک زیر عنوان: «پرسش‌های تمرینی». ۴. «فراچنگ آوردن دولت: فصل اول تا ششم»، که زیر عنوان‌های آن عبارتند از: «درسی مفید برای پادشاهان»، «پدران بنیان‌گذار و بقیهٔ اسطوره‌ها»، و «پرسش‌های تمرینی». ۵. «نگاه‌داشت جامعه: فصل هفتم تا دهم»، که صرفاً همان زیر عنوان «پرسش‌های تمرینی» را دارد. ۶. «مسلح کردن مردم: فصل‌های یازدهم تا چهاردهم»، با یک زیر عنوان: «پرسش‌های تمرینی». ۷. «شهریار جدید در آینه می‌نگرد: فصل‌های پانزدهم تا بیست و سوم»، با زیر عنوان: «پرسش‌های تمرینی». ۸. «خلع سلاح بخت و مسلح کردن آسمان: فصل‌های بیست و چهارم تا بیست و ششم»، با زیر عنوان‌های: «آسمان‌ها مسلح‌اند» و «پرسش‌های تمرینی». و سرانجام، ۹. «تفسیرها و تأثیرها»، با زیر عنوان‌هایی همچون: «ماکیاولی، آموزگار شر»، «ماکیاولی حامی جمهوری‌خواهی»، «ماکیاولی، کمونیست زودهن‌گام»، و «ماکیاولی، مبدع مصلحت دولت».

### بررسی و نقد شکلی اثر

یکی از ابداعات ارزشمند نشر ترجمان علوم انسانی، در ترجمهٔ فارسی اثر، که در همان بادی امر توجه مخاطب را به‌خود جلب می‌کند طرح جلد متفاوت کتاب‌های مجموعهٔ «راهنمای خواندن...» است. در طرح جلد همهٔ کتاب‌های این مجموعه، و از جمله راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی، تصویری از تمثال متفکر مزبور را در هیئت لباس‌هایی امروزی می‌بینیم که جدا از جالب‌توجه بودن چنین تصاویری، می‌تواند این تصور را به مخاطب انتقال دهد که به‌رغم فواصل زمانی و تاریخی هر کدام از این متفکران، خواننده نه با شخصی متعلق به روزگارانی دیگر و لذا نامرتب به

حال حاضر وی، بل با کسی طرف است که می‌تواند کماکان «معاصر» و لذا طرف خطاب وی باشد.

اما خود سبک نگارش متن اصلی نیز واجد ویژگی‌های درخور توجهی است که آن را شایستهٔ عنایت ویژهٔ مخاطبان این حوزه می‌سازد. فصل‌های کتاب با بحث از «عصر رنسانس» و «لحظهٔ ماکیاولین» آغاز می‌شود و این تنش‌ی است که کل کتاب تا به آخر آن را حفظ می‌کند. یعنی رابطه‌ای درونی و جدایی‌ناپذیر مابین ظرف و مظروف اثر مورد بحث کتاب: اتصال (conjunction) ایتالیای عصر رنسانس و عمل اتصالی (conjunctural) نگارش شه‌ریار در آن وضعیت. بر همین اساس شاهد نگارش فصل‌هایی هستیم که پیش از ورود به بحث بررسی متن کتاب، بستر تاریخی ایتالیای عصر رنسانس را به تفصیل توضیح می‌دهد. تخصیص فصلی جداگانه به «تقدیم‌نامهٔ» کتاب یکی دیگر از فراس‌ت‌های ارزشمند مؤلف است که مهر تأییدی است بر تسلط او بر مباحث بسیار درگرفته دربارهٔ این بخش آغازین شه‌ریار.

در ادامه میگل و تر، در فصل‌بندی کتاب خویش، به‌درستی دست به ایجاد خوشه‌هایی از فصول می‌زند که ذیل مضمونی مشترک موضوعی محوری و بنیادینی را شرح می‌دهد. برای نمونه، وتر در همین راستا بحث «فراچنگ آوردن دولت» را از مبحث «نگاه‌داشت جامعه» متمایز می‌سازد؛ تمهیدی که اجازه می‌دهد هرکدام از این مضامین نه در قالب فصولی منفرد و پراکنده، بلکه در پیوند با فصول مشابه‌شان مورد توجه و بررسی قرار گیرند. چنین رویه‌ای در کل فرمی را به‌وجود آورده‌است که به‌موجب آن حتی نگاهی مختصر به فهرست کتاب می‌تواند راهنمایی برای خواندن شه‌ریار ماکیاولی به مخاطب عرضه کند، خوانشی که خطوط راهنمای آن نه صرف عنوان عددی فصول شاهکار مزبور بلکه دغدغه و دلمشغولی محوری مؤلف اثری چنان گران‌سنگ است.

### بررسی و نقد محتوای اثر

چنان‌که خود میگل و تر در بخش سپاسگزاری کتابش ذکر کرده، کتاب راهنمای خواندن شه‌ریار ماکیاولی دومین کتاب وی دربارهٔ ماکیاولی است. اما نکتهٔ جالبی که وتر در همین بخش متذکر می‌شود این است که وی پس از نگارش اثر نخست، «مابین فرم و رخداد: نظریهٔ ماکیاولی دربارهٔ آزادی سیاسی»، قصد نداشته‌است دیگر سراغ ماکیاولی برود اما آشنایی با آرای ماکیاولی پژوهانی همچون فیلیپو دل لوكزه، جان مک کورمیک، جرمی بارتاس، روبرتو اسپوزیتو و ... وی را به بازسازی تفسیر خویش از ماکیاولی

ترغیب می‌کند. امری که، تا حدودی، خود را در تأکید بر مبحث «لحظة ماکیاولین» (the Machiavellian moment)، به تأسی از بحثی که پوکاک مطرح ساخته و مک کورمیک بیش از همه در آن کاویده‌است، و محوریت تعارض و نقش کلیدی هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه مردم یا انبوه خلق نزد ماکیاولی، به تأسی از کسانی همچون دل لوكزّه و بارتاس، نشان می‌دهد. اگر در این مجال کوتاه بر سه محور اصلی کتاب شهریار متمرکز شویم، یعنی آغاز، اوج، و فرجام اثر، می‌توانیم به یک جمع‌بندی از تفسیری برسیم که وتر از شهریار به دست می‌دهد. وتر، حتی پیش از بحث درباره «تقدیم‌نامه» کتاب، وارد بحث راجع به یکی از مهم‌ترین ستون‌های بنیادین انقلاب کپرنیکی ماکیاولی در فلسفه سیاسی می‌شود: «باز کردن عرصه سیاست برای کنشگری مردم که تا بدان زمان مطرود بودند» (وتر، ۱۳۹۶، ص. ۶۳). همگان با این مجادله درباره تضاد مابین ماکیاولی «ناصرح شهریار» و ماکیاولی «حامی جمهوری»، که با معادله «شهریار علیه گفتارها» مستند می‌شود، آشنا هستند. اما چنان که سنتی که وتر نیز در مجموع بدان تعلق دارد در طول دهه‌های اخیر نشان داده‌است، برخلاف اغلب هواداران جمهوری خواه ماکیاولی، بجز اسپینوزا، نباید دلبستگی ماکیاولی را در اظهارات آشکارا آزادی خواهانه وی در «گفتارها»، بلکه در تمامی بخش‌های شهریار جست که تاکنون همچون سندی علیه وی در مقام یک فیلسوف جمهوری خواه اقامه شده‌اند.

اگر قصد داشته باشیم چنین داعیه‌ای را به قضاوت بنشینیم، هیچ‌جایی را بهتر از «تقدیم‌نامه» اثر نمی‌یابیم؛ جایی که منشی مطرود جمهوری ناکام فلورانس، در بدترین شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ممکن، یعنی در تبعید و تنهایی، اثری را به یکی از اعضای خاندان حاکم مدیچی تقدیم می‌کند که علاوه بر دلالت‌های درونی متن با این هدف نگاشته شده‌است که راقم سطور مزبور را از تبعید و طرد خلاصی بخشد. در همین جاست که ماکیاولی، این فرزند حقوق‌دانی فروپایه، یک تبعیدی جمهوری خواه، مدعی فهمی از «امور روزگار حاضر» و «پژوهش در آثار باستانی» می‌شود که همچون «منظره‌نگاران» به وی مجال می‌دهد تا واجد شناختی دقیق، و حتی بهتر از شهریار و کل خاندان والاتبار وی، گردد؛ چرا که باید همانند خود ماکیاولی، و به واژگان خود او، «برای دریافت نهاد شهریاران، به تمامی از مردم» بود (ماکیاولی، ۱۳۹۴، ص. ۵۴).

کنون دوم شهریار، نقطه اوج اثر مزبور، فصل نهم کتاب است، «در باب شهریار مردمی»، فصلی که دل لوكزّه آن را «هسته واقعی شهریار» می‌خواند (دل لوكزّه،

۱۳۹۷، ص. ۱۶۸). جایی که محل بحث و تمرکز برخی از مفسرانی در زمانهٔ معاصر بوده که در قلب شه‌ریار بر نقش برسازندهٔ سوژه‌ای سیاسی متمرکز شده‌اند که ماکیاولی، پیش‌تر، در تقدیم‌نامه مطرح ساخته‌است: مردمان فروپایه و فاقد تبار اشرافی (*popoli*). اگر ماکیاولی در «تقدیم‌نامه» بر برتری موضع معرفت‌شناختی مردمان فروپایه برای فهم قدرت سیاسی تأکید می‌کند، در فصل نهم از برتری هستی‌شناختی آن‌ها در برپایی یک قدرت سیاسی پایدار و برخوردار از «امنیت» دفاع می‌کند. هرچند، ما در شه‌ریار در ساحت قسمی نظم سیاسی قرار داریم که کماکان ذیل فرمان شه‌ریار اداره می‌شود، اما حتی در چنین وضعیتی نیز این «طبع مردم» که تن ندادن به سلطه، یا همان میل به آزادی، است که بسی بهتر از «طبع بزرگان» به سلطه داشتن، یا همان میل به ستمگری، می‌تواند ضامن «امنیت» و «پایداری» حکومت شه‌ریار باشد. فصل نهم که اوج فصولی است مختص به چگونگی «نگه‌داشت جامعه» ضمن دفاعی رادیکال و بی‌نظیر از خصلت سازنده و ایجابی تعارض و آنتاگونیسم اجتماعی مابین طبع آزادی‌خواه مردم و طبع سلطه‌جو بزرگان، چیزی که لفور آن را «شقاق آغازین امر اجتماعی» (*originary division of the social*) می‌خواند (بنگرید به براو، ۱۳۹۶، ص. ۸۵-۹۵)، آشکارا شه‌ریار را توصیه به جانبداری از مردم و ایستادن در کنار ایشان می‌کند: «برخلاف همهٔ اندیشمندان سیاسی قبلی در غرب، ماکیاولی در فصل‌های هفتم تا نهم استدلال می‌کند که شه‌ریار می‌تواند به جای تکیه بر اشراف جامعه و نخبگان «شکوهمند» و «ثروتمند»، صرفاً با تکیه بر حمایت مردم، دولت خود را تأسیس کند و جایگاه و موقعیت خود را محکم نماید» (وتر، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۸).

دست‌آخر فصل پایانی شه‌ریار، «فراخوانشی به رهانیدن ایتالیا از چنگال بربران»، که سرانجام شه‌ریاری که با همهٔ فنون و رموز باستانی و مدرن دربارهٔ تأسیس دولت، حفاظت از دولت به اتکای مردم، تسلیح مردم، و چگونگی متکثر ساختن بدن خودش با آموختن از ماجرای خیرون کنتائور آشنا شده‌است در مقابل یکی از محوری‌ترین ایده‌های ماکیاولی قرار می‌گیرد: چگونگی مقابله کردن با زمانه و چرخش و پیچش‌های ناگهانی آن: موازنهٔ ویرتو (*Virtù*) و بخت (*Fortuna*). وتر، بازهم به‌درستی، با اشاره به فصل‌های پایانی‌ای که ماکیاولی پیش از این فراخوان نهایی نگاشته‌است، بر این برخورد تعیین‌کننده انگشت می‌نهد و به بحثی مفصل و جذاب دربارهٔ ریشه‌های فلسفی تلقی از قدرت تفوق‌ناپذیر بخت دست می‌زند. بحث مفصلی که دقیقاً اهمیت و عظمت نوآوری نظری ماکیاولی را پیش چشم مخاطب ترسیم می‌کند. در حالی که بسیاری از کتب دانشگاهی رایج در حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی سعی در ترسیم چهرهٔ

ماکیاولی به‌منزلهٔ پیشگام «علوم سیاسی» مدرن و آکادمیک دارند، فصل بیست‌وششم دقیقاً خصلت «اتصال» این متفکر برجسته را نشان می‌دهد. چرا که ماکیاولی، این «گالبلهٔ علم سیاست»، درست در اوج برجسته‌ترین اثرش که با اشاره به وضعیت فلاکت‌بار ایتالیای آن دوران آغاز می‌شود، به اتکای فلسفهٔ اتمیستی ناظر بر کژروی ناگهانی در مسیر اتم‌ها (*clinamen*)، به عوض حکم‌دادن به فنای ناگزیر ایتالیا و امتناع عمل و تفکر رهایی‌بخش به‌موجب آن‌چه «فساد» وضعیت می‌توان خواند (دل لوکزه، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۱)، از این ایده دفاع می‌کند که لحظهٔ مساعد برای به‌پاخاستن شهریار، دقیقاً همین جا و هم‌اینک، فرارسیده‌است.

فصلنامه‌نقدکتاب

علم‌اندیشا

سال اول، شماره ۴-۳  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

### ارزیابی نهایی اثر

با این تفصیل، بسی بیش از آن‌که حتی در پیشگفتار ناشر فارسی اثر می‌خوانیم، کتاب راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی اثری است ارزشمند و درخور مطالعه برای هر آن کسی که علاقه‌ای به فلسفهٔ سیاسی و مسائل مربوط به دولت، سیاست و حکمرانی دارد. چرا که کتاب وتر نه‌فقط فصل به فصل ایده‌های اصلی ماکیاولی را در این اثر معرفی می‌کند، بلکه به‌تأسی از خود او از موضعی این ایده‌ها را مطرح می‌کند که استوار است بر برتری جایگاه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مردم (*popolo*)، طبع ایشان و ویرتویی که، به تعبیر آلتوسر، باید «آب‌دیده» سازند تا در هنگامهٔ طغیان «رودخانهٔ وحشی بخت» موجبات امنیت و آزادی دولت و مملکت، اعم از جمهوری و شهریار، را فراهم آورند. چنین رویکردی به‌ویژه با توجه به سلطهٔ دیرین قرائت و تفسیری از ماکیاولی، و به‌ویژه شهریار، واجد اهمیتی مضاعف می‌شود که این فیلسوف گران‌قدر را در طول تاریخ دریافت اندیشه‌های‌اش به قربانی انواع و اقسام القاب و اتهامات موهن بدل ساخته‌است، از «آموزگار شر» تا «مشاور جباران» و، از جمله در این اواخر، «ایدئولوگ ملی‌گرایی».

میگل وتر به‌منظور رفتن به پیکار چنین تفاسیر رایج و فروکاست‌گرایانه‌ای، به اتکای تسلط خویش بر فلسفهٔ سیاسی ماکیاولی، یاری از بهترین تفاسیر معاصر از آثار وی، در راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی، به‌راستی به فراسوی صرف اثری مقدماتی و اولیه گام می‌نهد و برای مخاطب علاقه‌مند آراء این متفکر بزرگ نقشهٔ راهنمایی تدارک می‌بیند که وی را، تا حد ممکن، با بسترهای سیاسی و فکری زمانهٔ ماکیاولی، مضامین اصلی کتاب شهریار و تفاسیر معاصر از آثار وی آشنا می‌سازد. بدین ترتیب امکانی فراهم می‌کند تا مخاطب با قرائت تزه‌های



اصلی ماکیاولی در هر کدام از بخش‌ها و فصول شهریار دریاورد چرا و تا چه اندازه متصف کردن ماکیاولی به القابی همچون «آموزگار شر» یا «ناصح جباران» بی‌پایه و نارواست. فی‌المثل وتر نشان می‌دهد چگونه حتی در بحثی به‌ظاهر آریستوکراتیک و میلیتاریستی همچون تأکید بر جدی گرفتن جنگ و برتری «سپاه نیکو» بر هر مقوله و عامل دیگری، و به‌ویژه «قوانین نیکو»، ماکیاولی از منظری دموکراتیک و مردمی به مسئله می‌نگرد و خود همین موضوع را به دست‌مایه استوارساختن پایه‌های شهریار بر سنگ ستون مردم تبدیل می‌کند (وتر، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳-۱۳۳).

اما در همین بخش نهایی کتاب که به تفاسیر معاصر از ماکیاولی اختصاص دارد، میگل وتر، برخلاف اغلب بخش‌های کتاب، به‌سبب رعایت اختصار، یا دلایل نامعلوم دیگر، در شرح آراء مفسران برجسته ماکیاولی بسیار عجولانه دست به قلم برده‌است. برای مثال وتر تفسیر کلود لفور از آثار ماکیاولی، و به‌ویژه شهریار، را تنها در شش سطر توضیح می‌دهد که علاوه بر اختصار و نامفهوم‌ماندن آن برای مخاطبی که به‌نحوی دیگر نقداً از آن آگاه نیست، خطایی است جدی برای کتابی که قصد دارد مخاطب را با شرح‌های برجسته معاصر از اثر مورد بحث آشنا سازد. تنها کافی است به یاد آوریم که لویی آلتوسر، در دیباچه اثر خویش راجع به ماکیاولی، «ماکیاولی و ما» درباره لفور و اثرش چه می‌گوید: «هیچ تحلیل چنین تیزبینانه و هوشمندانه‌ای را درباره نویسنده‌ای نمی‌شناسم که، از زمان نگارش آثارش، همواره مخاطبان خویش را غرق در حیرت کرده است ... هیچ شرحی درباره شهریار و گفتارهای نمی‌شناسم که به این اندازه در راه فهم طرح ذهنی و سبک بیان ماکیاولی پیش رفته باشد» (آلتوسر، ۱۳۹۶، ص. ۴۵). این در حالی است که وتر با تفصیلی بیشتر، هرچند آن نیز نابسند و لذا نه‌چندان مبین و مفهوم، به تفسیر خود آلتوسر می‌پردازد.

اما، به‌رغم این ضعف مشهود و البته جدی<sup>۱</sup>، در نهایت وتر به‌خوبی از عهده رسالت سنگینی که بر دوش گرفته‌است برمی‌آید. زیرا با توجه

۱. هرچند آشکار است که کتاب وتر اثری است مقدماتی برای آشنایی اولیه با شهریار ماکیاولی، اما با توجه به قدرت تبیینی‌ای که اثر وتر در بخش‌های دیگر از خود نشان می‌دهد و همچنین، گستردگی و تنوع وسیع تفاسیر از ماکیاولی، چنین وضعی در برقراری ارتباط بین ماکیاولی و اتصال معاصر را نمی‌توان نقضی کوچک قلمداد کرد. برای مثال دل‌لوکزه برای بحث از دریافت‌های مختلف از ماکیاولی قریب ۱۰۰ صفحه از اثر خویش را بدان‌ها اختصاص می‌دهد، هرچند وی نیز در شرح برخی از مهم‌ترین تفاسیر معاصر، از جمله مهم‌ترین آن‌ها شرح کلود لفور از ماکیاولی، قصور می‌ورزد و نمی‌تواند حق مطلب را به‌تمامی ادا کند.

به گزارهٔ کروچه در باب «معمای همواره ناگشوده» ماکیاولی، وتر به‌سهم خویش اگر نه به حل این معما، بلکه به شناختی بهتر از خود این معما ادای سهمی درخور کرده‌است. وتر، در قالب اثری کوچک و مختصر، در راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی نشان می‌دهد که چگونه باید جایگاه بینابینی ماکیاولی را در پایان تفکر مسیحی قرون وسطا و سرآغاز تفکر لیبرالی سده‌های بعد درک کنیم. از جمله وی نشان می‌دهد چگونه باید سبک نگارش خاص شهریار را درک و فهم کرد، مسئله‌ای که همواره یکی از کانون‌های بحث و اختلاف ماکیاولی پژوهان بوده‌است. یعنی سبکی که هم به نصیحت‌الملوک‌های قرون ماضی می‌ماند و هم بر متون علمی پوزیتیویستی رایج در سده‌های آتی پیش‌دستی می‌کند، و در عین حال هیچ کدام از این دو هم نیست: متنی اتصالی که به ورای اتصال خویش می‌رود، متنی خاص ایتالیای عصر رنسانس و قابل اعمال در هر مکان و زمان دیگر.

میگل وتر همچنین، چنان‌که گفتیم، با ارائهٔ دسته‌بندی خاصی از فصول مختلف کتاب شهریار، به مخاطب کمک می‌کند تا پس از خوانش متن اصلی به تنظیم استدلال‌های اصلی هر کدام از بخش‌های کتاب در کنار هم پردازد. و بدین ترتیب امکانی فراهم می‌کند تا انبوه ترفهای درخشان و گاه برق‌آسای ماکیاولی، که در میانهٔ انبوهی از داستان‌ها و مثال‌های باستانی و معاصران وی رها می‌شوند، مخاطب را سرگشته نسازد. از همین‌روست که می‌توان اثر وتر را به‌راستی، چنان‌که ابن‌میمون می‌گفت، «راهنمایی برای سرگشتگان» وادی تفکر ماکیاولی خواند، مخاطبان سرگشته‌ای که نه از فقدان نقشهٔ راهنمای لازم که از شمار فراوان نقشه‌هایی در حیران‌اند که ورای مختصاتی کلی از ایده‌های او چیزی را نشان نمی‌دهند.

با توجه به جمیع نکات مذکور می‌توان راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی را اثری در تراز تفسیر شهریار ماکیاولی دانست. چرا که میگل وتر از همان آغاز کتاب، به‌صورت تلویحی، تعلق و دین خویش را به قرائتی مشخص اعلام می‌کند و تا پایان بر همین اساس تفسیری مشخص از شهریار را مطرح می‌کنند که براساس تقسیم‌بندی خود او در زمرهٔ تفاسیر «جمهوری خواهانه» قرار می‌گیرد. این رویکرد به ماکیاولی، که در دهه‌های اخیر پژوهشی قدرتمندتر از همیشه یافته‌است، به‌نحوی از انحاء بخشی از تلاشی است که آلتوسر از آن به «نجات» ماکیاولی از «تنهایی» اش یاد می‌کند. چنین عملیات نجاتی، به‌زعم آلتوسر، کاری نمی‌کند مگر

فعال‌سازی تنش‌های دموکراتیک، رادیکال و ضد جریان غالب قراردادگرایی و لیبرالیسم که درون‌ماندگار تمامی سویه‌ها و زوایای ساختمان فکری ماکیاولی است. چنین کنشی باید همراه شود با تکرار ژست ماکیاولی، یعنی اتخاذ همان موضع وی و در نتیجه آمادگی برای قرارگیری در معرض حملات و اتهامات کسانی که شاید دیگر به ماکیاولی تازند اما وی را با تفاسیری فروکاست‌گرایانه بر تخت پروکروستس می‌نشانند و از قلب فلسفه نخستین نظریه‌پرداز سوژگی سیاسی مردم در جهان مدرن مفاهیم و ایده‌هایی برای اقتدارگرایی و برتری موضع اشراف و بزرگان بر مردم استنتاج می‌کنند.

فصلنامه نقدکتاب

علم‌انشا

سال اول، شماره ۴-۳  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۸۳

### راهنمای خواندن شه‌ریار ماکیاولی و ما

برای بحث از رابطه اثری همچون راهنمای خواندن شه‌ریار ماکیاولی با ما، و با وضعیت خاصی که در آن به‌سر می‌بریم، باید نخست به رابطه ماکیاولی و شه‌ریار با خودمان پردازیم تا بتوانیم جایگاه «راهنمای» فهم مؤلف و اثر مزبور را نیز مشخص سازیم. برحسب آنچه تاکنون گفتیم، شه‌ریار ماکیاولی اثر بی‌نظیری است که مؤلف از همان نخستین سطور آن طوفانی به راه می‌اندازد که بنای هزاران سال خوارداشت و تحقیر مردم و شناخت و فهم ایشان را متزلزل می‌سازد. همچنین، ماکیاولی در قلب اثر خویش مدعی می‌شود حیات سرزنده و پویای یک دولت، حفظ و امنیت آن، و آزادی‌اش همه در گرو میدان دادن به بروز طبع عامه مردم برای آزادی و ایستادگی در برابر میل اشراف به سلطه‌جویی است. سرانجام او، با نشان دادن اهمیت تسلیح مردم به ویرتویی قابل، کارا و آبدیده، در پایان نتیجه می‌گیرد که به‌رغم همه زور و قدرت بخت، آن‌که ویرتویی را از پیش برای مقابله با چرخش‌های ناگهانی «رود سرکش و وحشی بخت» تدارک دیده باشد، حتی در میانه وضعیت بی‌تابی به نابسامانی ایتالیای تکه‌پاره و ضعیف اوایل سده شانزدهم، می‌تواند، تا حدودی همچون چزاره بورجا، بر موانع غلبه یابد و همزمان به سعادت دولت و ملت جنگ بزند.

نظر به این‌که این دقیقاً همان تفسیری است که میگل وتر و اثرش از ماکیاولی به دست می‌دهند، مواجهه ما و ماکیاولی می‌تواند دقیقاً در همین نقاطی روی دهد که کانون اصلی شرح و تفسیر وتر به شمار می‌رود: شناخت از زاویه مردم، غلبان طبع آزادی‌خواهانه عامه مردم، و آماده‌سازی ویرتو و به‌کار بستن آن در بطن اوضاع نابسامان روزگار

و جهان معاصر. کتاب وتر به تفصیل نشان می‌دهد چگونه ماکیاوولی در شهریار برتری نظرگاه معرفتی عامه مردم را توجیه و مستدل می‌سازد و بدین‌سان مبنایی قدرتمند برای دفاع از برتری خرد جمعی بر دانش فضلاو کارشناسان فراهم می‌آورد، امری که به‌ویژه در روزگار غلبه گفتار ارجحیت دانش تخصصی و کارشناسی به‌دور از اطلاع و دخالت عموم مردم اهمیتی دوچندان می‌یابد. با توجه به اولویت و اهمیت امنیت و پایداری برای هر دولتی، گفتار دموکراتیک و مردمی ماکیاوولی، حتی وقتی دارد از شهریارها بحث می‌کند و نه از جمهوری، چنین غایتی را تنها از رهگذر میدان دادن به طبع ضد - سلطه مردم میسر می‌داند، چرا که علاوه بر شمار بسیار ایشان و قدرت عظیمی که دارند، اینان گروهی‌اند که چیزی طلب نمی‌کنند مگر آزادی و نبود سلطه که، برخلاف خواست بزرگان و یگارش‌های موجود، دستاوردی است از آن همگان و سازنده امنیت و سعادت ملک و مملکت. بدین‌سان، وتر با برجسته‌سازی چنین دقایق و نکاتی در شهریار امکان می‌دهد تا هم چرایی معاصربودگی و اهمیت این اثر را دریابیم و هم از آن برای تقویت و آبدیده ساختن ویرتوی مان بهره بگیریم.

این‌دست مباحث در ایران معاصر که در آن شاهد اوج‌گیری منازعات بر سر چگونگی حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در میان نخله‌های مختلف هستیم، دلالتی خاص و وضعیت نیز به خود می‌گیرد. چرا که بسیاری از صاحب‌نظران ایرانی یا کماکان در چارچوب پارادایم پیشامدرن تابع‌سازی سیاست در آستان اخلاقیات می‌اندیشند یا ذیل سپهر نوعی از رئال پولتیک ضد - دموکراتیک که در پیوند با عروج نولیبرالیسم در حال تکه‌پاره‌کردن همه بندهای همبستگی اجتماعی و بقای جمهور (*commonwealth*) ایرانی است. در چنین وضعیتی، این تفسیر و فهم از جامعه، دولت و سعادت، آن هم از زبان کسی که خود در میانه این دو گفتار ایستاده و به زیرکی و واقع‌گرایی تمام‌عیار شهره است، می‌تواند راه سومی باشد به بیرون از این بن‌بستی که امیدی به گشایش آن نمی‌رود. اگر به اتکای کتاب راهنمای وتر به سروقت ماکیاوولی، این «پدر علم سیاست مدرن»، برویم آن‌چه حاصل خواهد شد گفتاری است بدیع و امیدبخش که نه فقط دغدغه «امنیت منهای آزادی» را رد می‌کند بلکه بر «آزادی [مالی] بی‌توجه به امنیت دولت» نیز مهر باطل می‌زند؛ و البته این کار نیز به هیچ‌وجه از رهگذر قسمی سنتز انجام نمی‌گیرد. بلکه راه‌حل پیشنهادی شهریار، چنانکه وتر تفسیر

می‌کند، تلقی امنیت به‌مثابه هدف غایی توأم دولت و ملت است، اما همین تلقی، در عین حال، تأمین امنیت را نه به‌رغم، یا در تضاد با آزادی، بل به موجب و از رهگذر آزادی میسر می‌داند، چرا که نیاز بنیادی شهریار، یا دولت، چیزی نیست مگر «تأمین امنیت هم برای خودش و هم برای رعایای‌اش» (وتر، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲). و این جاست که آموزه کلیدی و اساسی ماکیاولی، چه در شهریار و چه در آثار بزرگ دیگر وی، خود را در قامت گسستی اساسی جلوه‌گر می‌سازد، یعنی درست در هنگام بحث از رمز و راز نگاه‌داشت جامعه و تأمین امنیت برای دولت: «پیوندهای مدنی (و بنابر این سیاست) در بستر روابط احساسی و ستیزه‌بار ایجاد می‌شود، نه در بستری از روابط عقلانی و همکارانه» (همان، ص. ۱۱۰). بر این اساس، ماکیاولی راه را بر گفتارهای آگورافوبیکی می‌بندد که ذیل نام مدیریت عقلانی، لزوم واگذاری مطلق امور به «کارشناسان بزرگ و کوچک»، با کوشش برای حذف پویایی و انرژی موجود در میان طبع‌های مختلف اجتماعی، در عمل در حال زدودن پایه‌های قدرتمند تأمین امنیت اجتماعی و تبدیل «جمهور و مدینه» به قسمی «برهوت و بیابان» هستند (اسپینوزا، ۱۳۹۴، ص. ۷۵).

بنابراین اگر پذیرفته باشیم که ماکیاولی و شهریار گسستی را در بینش پیشامدن از سیاست ایجاد کرده‌اند که البته، به‌تعبیر آلتوسر، «جریانی زیرزمینی» و «واپس‌رانده‌شده» مانده‌است، اگر، همراه با وتر، این مانیفست ماکیاولی را به‌مثابه شرح و بسط سازوکارهای تأسیس دولت، ماندگاری آن، و شکوفایی و کامیابی‌اش در میانه رقاباتی بخوانیم که ابایی از توسل به هیچ‌گونه ترفند «نااخلاقی» ندارند، باید این را نیز بپذیریم که راه‌هایی و سعادت از مسیر چیزی می‌گذرد که بعدها یکی از تیزبین‌ترین خوانندگان ماکیاولی در «رساله سیاسی»‌اش آن را چنین خواند: «دموکراسی مطلقاً مطلق» (اسپینوزا، ۱۳۹۴، ص. ۸۴-۱۸۱). راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی وتر، به‌ویژه در اتصال معاصر، یعنی در وضعیتی که اقتصاد نولیبرال مردم را بیش از پیش به زوائد و ادوات «بی‌مصرف و دورریختنی» سیاست و فرهنگی زامبی‌وار تبدیل می‌کند (ژیرو، ۱۳۹۶، ص. ۶۴-۸۰)، و دموکراسی را به نامی برای قطب متضاد آن، یعنی آریستوکراسی و پلوتوکراسی، تذکاری است از زبان ماکیاولی که سنگ‌بنای امنیت و آزادی یک جامعه تا چه اندازه بر مردم (*popolo*) استوار است؛ واقعیتی که اثری متکی بر شناخت تیزبینانه «امور روزگار معاصر» و «مطالعه سرگذشت و دانش پیشینیان» آن را با قدرت تمام مستدل می‌سازد: شهریار.

## منابع

- آلتوسر، لویی (۱۳۹۶). ماکیاولی و ما، ترجمه فؤاد حبیبی و امین کرمی، تهران: اختران.
- اسپینوزا، بندیکت (۱۳۹۴). رساله سیاسی، ترجمه پیمان غلامی و ایمان گنجی، تهران: روزبهان.
- بدیو، آلن (۱۳۹۶). فلسفه برای مبارزان، ترجمه فؤاد حبیبی و کمال خالق‌پناه، تهران: نی.
- براو، مارتین (۱۳۹۶). تجربه پلینی: تاریخی ناپیوسته از نبرد برای آزادی، ترجمه فؤاد حبیبی، تهران: ققنوس.
- دل لوكزه، فیلیپو (۱۳۹۷). فلسفه سیاسی ماکیاولی، ترجمه فؤاد حبیبی و امین کرمی، تهران: ققنوس.
- ژیرو، هنری (۱۳۹۶). سیاست و فرهنگ زامبی، ترجمه فؤاد حبیبی و بهمن باینگانی، تهران: اختران.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۹۴). شهریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران: آگاه، چ. پنجم.
- وتر، میگل (۱۳۹۶). راهنمای خواندن شهریار ماکیاولی، ترجمه محمد ملاحباسی، تهران: ترجمان علوم انسانی.

فصلنامه نقدکتاب

**علوم انسانی**

سال اول، شماره ۴-۳  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷

۸۶